



چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران^۱

A Historical Perspective of Teacher Education Curricula Revisions in Iran

تاریخ دریافت مقاله: ۰۳/۰۵/۱۳۹۶؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۲۷/۰۹/۱۳۹۶

A. Attaran

N. Mousapour (Ph.D)

M. Attaran (Ph.D)

A. Hosseinikhah (Ph.D)

عاطفه عطاران^۲

نعمت‌الله موسی پور^۳

محمد عطاران^۴

علی حسینی‌خواه^۵

Abstract: The purpose of this study is to present a historical perspective of revisions in teacher education curricula in Iran. This study is a qualitative and historical research, and seeks to compare the revisions that the teacher education curricula have undertaken throughout times. The finding from the historical analysis of documents, reports, library resources and personal interviews with experts of teacher education, has evolved four periods: the first period as the disciplinary curriculum (from 1918 to 1933); the second period as multidisciplinary curriculum (from 1934 to 1983); the third period as disciplinary curriculum (from 1984 to 2013) and the fourth period as disciplinary curriculum (from 2014). Studying and analyzing the political, social and cultural conditions in each of these periods and recognizing the major approaches toward the revision of the teacher education curriculum helps educators to enrich their understanding of the current situation through gaining awareness of the historical context and it facilitates designing fruitful programs for the future.

Keywords: curriculum revision, teacher education, history of curriculum revision, teacher education curricula in Iran

چکیده: پژوهش حاضر با هدف تبیین سیر تاریخی بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران صورت گرفته است. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی و تاریخی است و در پی پاسخگویی به این سؤال است که «بازنگری برنامه درسی تربیت‌معلم ایران» در گذشته چگونه انجام شده و هم اکنون چگونه دنبال می‌شود؟ یافته‌های حاصل از تحلیل تاریخی اسناد، گزارش‌ها، منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق با پیشکسوتان حوزه تربیت‌معلم ایران نشان می‌دهد که برنامه درسی تربیت‌معلم در سیر تطور خود چهار دوره را تجربه کرده است: دوره اول: دوره برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲)؛ دوره دوم: دوره برنامه درسی چند رشته‌ای (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲)؛ دوره سوم: دوره برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲) و دوره چهارم: دوره برنامه درسی میان‌رشته‌ای (از ۱۳۹۳ تاکنون). بررسی و تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هر یک از این دوره‌ها و شناخت رویکرد حاکم بر بازنگری برنامه درسی تربیت‌معلم به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک عمیق‌تر شرایط کنونی به سبب آگاهی از صیغه تاریخی، برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند. **کلیدواژه‌ها:** بازنگری برنامه درسی، تربیت‌معلم، تاریخ بازنگری برنامه درسی، برنامه‌های درسی تربیت‌معلم ایران.

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی با عنوان «مطالعه بازنگری برنامه‌های درسی تربیت معلم در ایران و ارائه الگویی معتبر» است.
۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه خوارزمی
۳. دانشیار دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسؤل)
۴. استاد دانشگاه مالایا مالزی
۵. استادیار دانشگاه خوارزمی

atefeh.ataran@yahoo.com

n_mosapour@yahoo.com

attaran_m@yahoo.com

hosseinikhah_ali@yahoo.com

مقدمه

هر یک از جوامع با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی مختلف خود، سیاست‌های خاصی را در آماده‌سازی معلمان برای ورود به عرصه تدریس و عمل، اعمال می‌کنند. به‌زعم رینگر (ترجمه حقیقت‌خواه، ۱۳۹۳) شیوه تربیت‌معلم و پیشینه تاریخی برنامه درسی در نظام آموزشی هر کشوری، متأثر از رخدادهای و نیروهای اجتماعی مؤثر در آن کشور است. در این نگاه، برنامه درسی واسط میان مربیان و زمینه‌های اجتماعی است و بخش عمده چالش‌های مهم برنامه‌های درسی تربیت‌معلم، در پاسخگویی به سیاست‌ها و گفتمان‌های جدید جهانی (هوکا^۱ و همکاران، ۲۰۱۰؛ تینوکا^۲ و همکاران، ۲۰۱۳) بروز می‌یابد.

مطالعه تجارب کشورها در حوزه بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم بیانگر این است که بازنگری برنامه درسی، به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر در برنامه‌ریزی نظام‌های آموزشی، با هدف ارتقاء کیفیت و پاسخگویی به نیازهای جامعه در حال تغییر، انجام شده است که با توجه به انتظارات اجتماعی و اقتصادی هر یک از جوامع به شیوه‌ای متفاوت دنبال شده است. از این رو شناخت ویژگی‌ها و اقتضائات نظام‌های آموزشی جهت معرفی رویکردی مناسب در انجام موفقیت‌آمیز تغییرات به عنوان مسئله مهم مطرح است. به منظور دستیابی به چنین شناختی، بررسی سیر تاریخی اصلاحات آموزشی تا حد زیادی مجموعه منافع اجتماعی و سیاسی در دوره‌های مختلف را آشکار می‌سازد، به‌گونه‌ای که می‌تواند برنامه‌ریزان را در تدوین الگویی متناسب با بافت و شرایط خاص اجتماعی یاری رساند.

در دوره هژمونی و توسعه شتابان فن‌آوری آموزشی در جامعه کنونی، پدیده تغییر امری غیرقابل انکار است. ماهیت در حال تغییر جهان امروز باعث شده است یکی از مسائل مهم آموزش عالی در قرن حاضر همگام‌سازی با این تغییرات باشد. در راستای این همگام‌سازی، وجهی از تغییرات معطوف به ایجاد تغییر در ساختار سازمانی و مدیریتی مراکز آموزش عالی و افزایش تعاملات بین‌المللی می‌باشد. در وجه دیگر، اصلاح و بازنگری حوزه محتوایی و

1. Hokka
2. Tinoca

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

برنامه‌های درسی آموزش عالی مطرح است و اثربخشی دوره‌ها و رشته‌های دانشگاهی را شامل می‌شود.

در چند دهه گذشته همگام با تغییرات سیاسی در ایران، نظام تربیت‌معلم نیز دچار تغییر و تحول شده است. با تأکید بر تربیت‌معلم در برنامه‌های توسعه کشور و همچنین با تدوین و تصویب اسناد تحولی شامل «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» (۱۳۹۰)، «مبانی نظری تحول در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۰) و «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۱)، انتظار آن است که برنامه‌های درسی تربیت‌معلم مطابق با آن‌ها بازنگری شوند. از این رو در شرایط کنونی نظام تربیت‌معلم کشور که تلاش‌های دامنه-داری برای بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم براساس اسناد تحولی در جریان است (موسی‌پور، ۱۳۹۳)، تبیین سیر تاریخی اصلاحات برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران، به‌عنوان یکی از واقعیات جامعه ایرانیان که طی بیش از یک قرن تلاش، همواره با تحولات و تغییرات گسترده‌ای همراه بوده است، حائز اهمیت و ضرورت است؛ به عبارت دیگر به سبب سابقه‌ای که تربیت‌معلم در نظام آموزشی کشور دارد و تاریخ غنی آن، به هنگام انجام بازنگری-ها و اعمال هرگونه تغییر باید این سابقه را در نظر داشت و به دلیل تعلقات تاریخی با احتیاط برخورد نمود. براین اساس در پژوهش حاضر سعی شده است تا از طریق تحلیل تاریخی، ابعاد بازنگری برنامه درسی تربیت‌معلم ایران از سال ۱۲۹۷ (تأسیس دارالمعلمین) تاکنون (۱۳۹۶) شناسایی شود.

سؤال پژوهش

پژوهش‌های تاریخی با هدف پاسخگویی به سؤال‌هایی در مورد علل، اثرات و یا روندهای گذشته برای روشن شدن رفتارها یا شرایط حال انجام می‌شود (گال و همکاران، ۱۳۸۶). این نوع از پژوهش دارای سؤال مستقلی است که پاسخ به آن می‌تواند شرایط گذشته را توضیح دهد و تفسیر کند. از این رو در پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که:

«بازنگری برنامه درسی تربیت‌معلم ایران» در گذشته چگونه انجام شده و هم اکنون چگونه

دنبال می‌شود؟

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی و از نوع تحقیقات تاریخی است. پژوهش تاریخی از آن جهت که فرایند انتخاب داده‌ها ذهنی است و روایتگر تاریخ دست به گزینش اطلاعاتی می‌زند که نیازهای او را برآورده می‌سازند، دارای ابعاد کیفی است. توصیف بهم پیوستگی وقایع در طول زمان، گونه متفاوتی از تبیین را در پژوهش تاریخی نشان می‌دهد که اغلب به شیوه روایتی بیان می‌شود. در پژوهش حاضر این تبیین به صورت روایتی از سیر تاریخی عمل به بازنگری و تحولات محتوایی در برنامه‌های تربیت‌معلم ایران ارائه می‌شود و عنصر زمان از طریق تنظیم و ایجاد ترتیب زمانی وارد جریان تحلیل شده است.

نتایج پژوهش

یافته‌های حاصل از تحلیل تاریخی اسناد، گزارش‌ها، منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق با پیشکسوتان حوزه تربیت‌معلم در ایران، نشان می‌دهد که برنامه درسی تربیت‌معلم در سیر تاریخی خود با رویکردهای خاصی تغییر یافته است. در این راستا به منظور درک ملموس‌تر دگرگونی‌های برنامه‌های درسی تربیت‌معلم ایران، سیاست‌های نظام برنامه‌ریزی درسی و تغییرات تربیت‌معلم در چهار دوره طبقه‌بندی شده است:

- دوره اول: دوره برنامه درسی رشته‌ای^۱ (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲)؛
- دوره دوم: دوره برنامه درسی چند رشته‌ای^۲ (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲)؛
- دوره سوم: دوره بازگشت به برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲)؛
- دوره چهارم: دوره برنامه درسی میان‌رشته‌ای^۳ (از ۱۳۹۳ تاکنون).

این عناوین به استناد رویکردهای حاکم بر اصلاح برنامه‌های درسی تربیت‌معلم و اقدامات برنامه‌ریزانه در حوزه تربیت‌معلم پیشنهاد شده است. در ادامه به شرح یافته‌های حاصل از روش تاریخی در هر یک از این چهار دوره می‌پردازیم.

-
1. Disciplinary Curriculum
 2. Multidisciplinary Curriculum
 3. Interdisciplinary Curriculum

▪ دوره اول: دوره برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲)

در سال ۱۲۹۷ همراه با تحولات آموزش و پرورش، نخستین گام در تربیت‌معلم کشور با تصویب قانون تأسیس «دارالمعلمین مرکزی» (دارالمعلمین و دارالمعلمات)^۱ توسط مجلس شورای ملی برداشته شد. دارالمعلمین نخستین مرکز دولتی جهت تربیت و آماده کردن معلمان برای آموزش در مدارس جدید بود که تا پایان دوره قاجار، به فعالیت خود ادامه داد. پروگرام^۲ و نظامنامه دارالمعلمین پس از بررسی در جلسات متعدد شورای عالی معارف، در نهایت پنج سال بعد از تصویب قانون آن، در جلسه چهارم و پنجم شورای عالی معارف مورخ ۱۳۰۲/۰۸/۱۱ به تصویب رسید. در ماده ۱ نظامنامه دارالمعلمین آمده است:

«دارالمعلمین مرکزی، مدرسه‌ای است دولتی و مجانی در تحت اداره وزارت معارف که برای تعلیمات ابتداییه و حد معینی از تعلیمات متوسطه، تربیت‌معلم می‌کند و به این نظر منقسم به دو شعبه است: یکی شعبه ابتدایی و دیگری شعبه عالی» (نظامنامه دارالمعلمین، ۱۳۰۲).

بدین ترتیب دارالمعلمین با دو شعبه ابتدایی (به منظور تأمین معلم برای ۴ سال اول دوره ابتدایی) و شعبه عالی (به منظور تأمین معلم برای سال پنجم و ششم ابتدایی و دوره اول متوسطه) بود. دوره تحصیل در شعبه ابتدایی، دو سال نظری و یک سال عملی و در شعبه عالی، سه سال نظری و یک سال عملی تعیین شده بود. در دوره عملی به منظور آشنایی با اصول تدریس، وزارت معارف یکی از مدارس ابتدایی را به دارالمعلمین مرکزی ضمیمه کرد و محصلان دارالمعلمین، زیر نظر استادان خود در آن مدرسه تدریس می‌کردند (محمودیان، ۱۳۹۰). درباره تعیین برنامه درسی تربیت‌معلم دارالمعلمین و جزئیات موضوعات درسی، به عنوان یکی از وظایف شورای عالی معارف^۳ در نظامنامه دارالمعلمین آمده است:

۱. دارالمعلمین برای تربیت معلم مرد و دارالمعلمات برای تربیت معلم زن
۲. برنامه‌های درسی در این دوره تحت عنوان «پروگرام» و «دستور تحصیلات» معرفی می‌شده است و در دهه ۱۳۴۰ عنوان «برنامه درسی» در نظام آموزشی ایران رواج یافت.
۳. در بند ۶ ماده دوازدهم قانون تأسیس شورای عالی معارف، تهیه دستور تحصیلات مدارس و معلمین و معلمات به عنوان یکی از وظایف شورا تعیین شده است (قانون شورای عالی معارف، ۱۳۰۰).

«ماده سوم- پروگرام دارالمعلمین مرکزی باید همیشه طوری ترتیب داده شود که پروگرام رسمی متوسطه را شامل باشد. به علاوه در دوره عالی تحصیلات به سه شعبه تخصصی منقسم است: شعبه ادبی، شعبه ریاضی و شعبه طبیعی.

ماده چهارم- تحصیلات خاصه دارالمعلمین عبارت است از یک دوره منطقی و فلسفه قدیم و جدید و معرفه النفس و علم اخلاق، اصول تعلیم و برای عملی ساختن فن اخیر در سال آخر که موسوم به سال عملیات است، متعلمین علاوه بر تتمیم مواد درسی تحت نظر هیئتی از معلمین با انواع مشق‌های راجع به تعلیم و تدریس و انتظام مدرسه و کلاس وادار می‌شوند. در اصول تعلیم علاوه بر طرز تعلیم مواد متوسطه، تربیت اخلاقی اطفال و اسلوب تعلیمات ابتدایی مورد توجه خواهد بود و متعلمین باید در عملیات خود مشق تعلیمات ابتدایی را نیز بنمایند» (نظامنامه دارالمعلمین، ۱۳۰۲).

با توجه به آنچه در «نظامنامه دارالمعلمین و پروگرام دوره تحصیلات دارالمعلمین شعبه ابتدایی و عالی» ذکر شده، برنامه درسی دارالمعلمین شامل دروس تخصصی شعبه‌ها و دروس مشترک به شرح جدول ۱ بوده است.

جدول ۱- دستور تحصیلات دارالمعلمین مرکزی (برگرفته از شورای عالی معارف، ۱۳۰۲)

دروس تخصصی شعبه عالی			دروس تخصصی	دروس مشترک
شعبه طبیعی	شعبه ریاضی	شعبه ادبی	شعبه ابتدایی	
فیزیک	علوم ریاضی و متعلقات	ادبیات فارسی	معرفه النفس	منطق
شیمی	-	عربی	فارسی	فلسفه قدیم
تاریخ طبیعی	-	زبان فرانسه	ورزش	فلسفه جدید
-	-	تاریخ	کلیات علم تربیت	تربیت اخلاقی اطفال
-	-	جغرافیا	-	اسلوب تعلیمات ابتدایی
-	-	فقه	-	اصول تعلیم
-	-	منطق	-	-
-	-	تعلیمات دینی	-	-
-	-	کلیات ثروت ملل	-	-

تغییرات نظام آموزشی به‌طور عام و تربیت‌معلم به‌طور خاص، با آغاز دوره پهلوی اول در سال ۱۳۰۴ تسریع یافت. در طول این دوره سیاست‌گذاری‌های آموزشی در جهت ایجاد

ناسیونالیسم جدید ایرانی بود. در این باره ماتی^۱ (۱۳۸۷) بیان می‌کند «اساس سیاست‌های آموزشی دولت در دوره حکومت پهلوی بر سه خط‌مشی اصلی یعنی تجدد، مرکزگرایی و ملی‌گرایی استوار بود که محتوای آن با تکیه بر تاریخ ایران باستان و با تعصب نژادی آریایی همراه بود» (ماتی، ۱۳۸۷: ۱۹۳). بدین ترتیب رضاشاه در جهت دستیابی به این سه هدف و لزوم نظارت بر تربیت‌معلم برای تزریق ایدئولوژی پهلوی و از طرفی با توجه به اینکه تا پیش از این دوره، نظارت کافی بر برنامه‌ها از سوی دولت و وزارت معارف وجود نداشت و ناهماهنگی‌های زیادی در نظام آموزشی دیده می‌شد، با اتخاذ تصمیماتی سعی در یکدست نمودن برنامه‌های درسی و رفع نقایص برنامه‌ها داشت. به عنوان نمونه با هدف رفع نقایص مربوط به تدریس معلمان ابتدایی، در فروردین ماه ۱۳۰۶ اساسنامه «دارالمعلمین شبانه اکابر» به تصویب شورای عالی معارف رسید که دوره تحصیل در آن یک سال بود و در صورت عدم موفقیت معلمان در امتحانات، از شغل معلمی محروم می‌شدند (صافی، ۱۳۸۷: ۱۸۱). با توجه به اهداف ایجاد دارالمعلمین شبانه اکابر و توجه به ارتقا کیفیت تدریس، به نوعی می‌توان آن را اولین گام در راستای اصلاح برنامه‌های درسی تربیت‌معلم محسوب نمود که سعی در برطرف‌سازی نواقص برنامه‌های درسی در حال اجرا داشت.

با رشد این تفکر در جامعه که آموزش و تحصیلات می‌تواند موجب ترقی گردد و در نتیجه گسترش دبیرستان‌ها و نیاز به تأمین معلم دوره متوسطه، در سال ۱۳۰۷، دارالمعلمین مرکزی به «دارالمعلمین عالی» تبدیل شد. بدین ترتیب برنامه تربیت‌معلم متوسطه پایه‌گذاری گردید و اساسنامه آن در تاریخ ۱۳۰۸/۰۷/۰۲ به تصویب شورای عالی معارف رسید. برنامه درسی دارالمعلمین عالی مشتمل بر دو قسمت علمی (شامل رشته‌های فیزیک و شیمی، طبیعیات و ریاضیات) و ادبی (شامل رشته‌های فلسفه و ادبیات، تاریخ و جغرافیا) بود. مطابق ماده هشتم اساسنامه دارالمعلمین عالی، در برنامه درسی تمامی شعبه‌های دارالمعلمین، داوطلبان شغل معلمی علاوه بر دروس تخصصی، درس «آداب تعلیم و متدولوژی» را با هدف آشنایی با اصول و روش‌های تدریس فرا می‌گرفتند. همچنین براساس اساسنامه مذکور (۱۳۰۷) در این دوره هرگونه اصلاح و بازبینی در برنامه درسی و سرفصل دروس توسط اعضای شورای

1. Matthee

معارف، تحت نام «تکمیل پروگرام» پس از تصویب به وزارت معارف ارائه می‌شده است؛ به عبارت دیگر هرگونه تغییر و بازنگری در برنامه درسی تربیت‌معلم، با در نظر گرفتن موضوعات علمی مورد نیاز رشته‌ها، تحت نظر وزارت معارف و به صورت متمرکز انجام می‌شده است. به‌طور مثال برنامه درسی بازنگری شده شعبه طبیعی و شعبه ادبیات دارالمعلمین عالی، حدود یک سال بعد از برنامه مصوب دارالمعلمین عالی، با عنوان «تکمیل پروگرام دارالمعلمین عالی» در تاریخ ۱۳۰۸/۰۵/۲۱ به تصویب شورای عالی معارف رسیده است.

این دوره از آن جهت که نقطه شروع تربیت‌معلم در کشور بوده است مستلزم توجهی ویژه می‌باشد؛ چرا که با تأمل در برنامه‌های درسی دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین عالی می‌توان اندیشه‌های آغازین در تربیت‌معلم را شناسایی کرد. آنچه از برنامه درسی در این دوره می‌توان دریافت، آماده‌سازی معلم در یک رشته خاص و اجرای برنامه درسی رشته‌ای (دیسپلینی) بوده است. به عبارتی دیگر مطابق برنامه درسی مصوب دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین عالی، هدف آماده‌سازی معلم برای تدریس در یک رشته و به‌کارگیری آن‌ها در دوره و رشته‌ای مشخص بوده است. با توجه به این نوع از برنامه درسی، آنچه در این دوره از معلم انتظار بوده است، عمل به صورت تک حرفه‌ای است. علاوه بر این در برنامه درسی این دوره ضمن آموزش موضوعات علمی یک رشته به داوطلبان شغل معلمی، فرصت تدریس در موقعیت واقعی عمل در مدارس وابسته به دارالمعلمین داده می‌شود. بدین صورت که مطابق پروگرام دارالمعلمین ابتدایی (۱۳۰۶)، دارالمعلمیات ابتدایی (۱۳۰۷) و دارالمعلمیات عالی (۱۳۰۷)، برای تمرین معلمی و آشنایی با اصول تدریس، ساعاتی را به تدریس در مدارس می‌پرداختند که تحت نام مدارس ضمیمه دارالمعلمین وجود داشتند.

فرآیند تحول آموزشی و گسترش مدارس با فراز و فرود فراوان در این دوره ادامه داشت تا اینکه عاملی اثرگذار بر این فراز و فرود تاریخی هویدا شد و اعزام محصلین به غرب آغاز گردید. قانون اعزام محصل به خارج از کشور مصوب سال ۱۳۰۸ مجلس شورای ملی است که در آن پیش‌بینی شده بود در سال اول ۵۰ درصد و در سال‌های بعد ۳۵ درصد از اعزام شوندگان به رشته تعلیم و تربیت^۱ برای تدریس در دارالمعلمین اختصاص داده شود (صافی،

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

۱۳۹۱). چند سال بعد هم‌زمان با اتمام تحصیل و بازگشت این افراد به ایران و پیاده‌سازی ایده-هایشان در نظام تعلیم و تربیت، دوره جدیدی از برنامه‌های درسی تربیت‌معلم آغاز شد.

▪ **دوره دوم: دوره برنامه درسی چند رشته‌ای (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲)**

در دوره پهلوی اول و با اجرای قوانین مربوط به آموزش اجباری و رایگان، اصلاحات آموزشی بلندپروازانه رضاشاه با مشکلاتی از جمله کمبود معلمان ورزیده مواجه بود که برای رفع آن، «قانون تربیت‌معلم» با هدف تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه و توسعه یکپارچگی ملی از طریق توسعه آموزش و پرورش، در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید (صافی، ۱۳۸۷). به‌زعم سیاسی^۱ (به نقل از قاضیها، ۱۳۹۵) قانون تربیت‌معلم نخستین گام اساسی و محکم در تثبیت موقعیت معنوی معلمان و اصلاح وضع مادی این طبقه بود، به طوری که این قانون بدون سروصدا، انقلابی عظیم در فرهنگ ایران ایجاد نمود. در ادامه اقدامات دولتی برای اصلاح ساختار تعلیم و تربیت کشور و بر اساس «قانون تربیت‌معلم» در سال ۱۳۱۲ لایحه تأسیس مراکز دانشسرا به تصویب مجلس رسید و دارالمعلمین عالی به «دانشسرای عالی» تغییر نام یافت. در این دوره از تاریخ تربیت‌معلم ایران برای اولین بار مراکز آموزشی تربیت‌معلم به صورت دانشسراهای مقدماتی شروع به فعالیت کردند. هدف از تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور «اکمال (تکمیل) معلومات عمومی شاگردان» و «تربیت و آماده ساختن آنها برای فن آموزگاری» است (دفتر هماهنگی طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه، ۱۳۶۴: ۱۹). در «اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسراهای مقدماتی»، تدوین برنامه درسی (دستور تحصیلات) همانند قبل بر عهده شورای عالی معارف گذارده شده است که مطابق آن ۱۶ عنوان درسی به شرح جدول ۲ به عنوان دستور تحصیلات دانشسراهای مقدماتی برای تربیت آموزگار در سال ۱۳۱۳ به دانشسراهای کشور ابلاغ گردید.

۱. علی اکبر سیاسی (۱۳۶۹-۱۲۷۴) از محصلان اعزام به غرب و از استادان دارالمعلمین عالی و رییس اداره تعلیمات عالییه وقت بود که لایحه قانون تربیت معلم را تهیه نمود. این لایحه را علی اصغر حکمت (وزیر معارف وقت) به مجلس شورای ملی برد و به تصویب رسانید.

جدول ۲- مواد درسی دانشسراهای مقدماتی (شورای عالی معارف، ۱۳۱۳)

ردیف	مواد درسی	سال اول	سال دوم
۱	علم النفس و منطق از لحاظ تربیت و اصول تعلیم و تربیت علمی و عملی	۲	۲
۲	علم الاجتماع از لحاظ اخلاق و تربیت اصول علم الاخلاق و اصول دیانت	-	۲
۳	فارسی	۴	۴
۴	عربی	۲	۲
۵	زبان خارجه	۴	۴
۶	تاریخ و جغرافیا	۳	۲
۷	ریاضیات	۴	۲
۸	فیزیک و شیمی	در هر دو کلاس ۱ ساعت در هفته باید صرف عملیات در لابراتوار شود.	
۹	تاریخ طبیعی	۲	۲
۱۰	حفظ الصحه	۱	-
۱۱	نقاشی و رسم	۱/۵	۱/۵
۱۲	موسیقی و سرود	۲	۲
۱۳	تربیت بدنی	۲	۲
۱۴	کارهای دستی و فلاحتی	ساختن اجسام هنری	
۱۵	قرائت شخصی	۲	۲
۱۶	عملیات خارج پروگرام	۳	۵
	جمع	۳۷/۵	۳۶/۵

پس از تصویب اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسراهای مقدماتی در جلسه بعد شورای عالی معارف مورخ ۱۳۱۳/۰۶/۲۰، «اساسنامه و دستور تحصیلات دانشسرای عالی» به تصویب رسید. در ماده سوم اساسنامه مذکور، برنامه درسی دانشسرای عالی در دو بخش علمی و ادبی و یک شعبه علوم تربیتی تعیین شده است (شورای عالی معارف، ۱۳۱۳).

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

بدین ترتیب برای نخستین بار در برنامه درسی تربیت‌معلم کشور، دروس علوم تربیتی در کنار دروس تخصصی آموزش داده شد. ایده آموزش دروس رشته علوم تربیتی در کنار دروس تخصصی رشته‌ای که از سوی اعزام‌شدگان به تحصیل در غرب مطرح شد، فصل جدیدی از برنامه درسی با رویکرد چند رشته‌ای را در تاریخ تربیت‌معلم کشور ایجاد کرد.

در این دوره، گروهی از دانشجویان اعزامی به دانشگاه‌های خارج به‌ویژه دانشگاه‌های فرانسه، انگلیس و آلمان به کشور بازگشتند و به جمع استادان علوم تربیتی دانشسرای عالی پیوستند (کاردان به نقل از موسی پور، ۱۳۸۷: ۱۰۲). بدین ترتیب ایجاد سیاست‌ها و قوانین آموزشی در حوزه تربیت‌معلم با بازگشت دانشجویان اعزامی به خارج از کشور همراه شد. هم‌زمانی این دو موج اثرگذار در برنامه‌های درسی تربیت‌معلم، موجب اصلاح برنامه‌های درسی با اهداف سیاسی و اجتماعی گردید. بدین صورت که این گروه از استادان سعی داشتند تا آنچه را که طی دوران اعزام به کشورهای غربی آموخته بودند، با توجه به اهداف حکومتی و مصلحت‌های آن در برنامه‌های درسی پیاده نمایند. در خاطرات یکی از این افراد (عیسی صدیق) درباره مدیریت دانشسرای عالی این چنین آمده است:

«من نتیجه تحصیلات و تجربیات خود را در سه مملکت مترقی درجه اول یعنی فرانسه و انگلستان و آمریکا با احتیاجات و مقتضیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور تطبیق می‌کردم و آنچه را مصلحت بود باایمان راسخ در دانشسرای عالی به کار می‌بستم» (صدیق به نقل از موسی پور، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

در اواخر سال ۱۳۱۳ در ادامه نوسازی آموزشی رضاشاه، «قانون تأسیس دانشگاه تهران»^۱ به تصویب رسید و تمام مدارس عالی و دانشکده‌های تأسیس شده تا آن زمان را در بر گرفت. به طوری که با تأسیس دانشگاه تهران، دانشسرای عالی با هدف تربیت دبیر برای دبیرستان‌ها بخشی از دانشگاه تهران شد (بخش ادبی آن به دانشکده ادبیات و بخش علمی آن تبدیل به دانشکده علوم شد)؛ به عبارت دیگر دانشسرای عالی عملاً استقلال خود را از دست داد و اداره

۱. «عیسی صدیق» از دانشجویان اعزامی دوران مشروطه به اروپا که ریاست دارالمعلمین عالی و دانشسرای عالی را در کارنامه خود دارد، مأمور تهیه طرح تأسیس دانشگاه تهران شد. وی این طرح را در قالب رساله دکترای خود با عنوان «ایران نوین و نظام آموزشی آن» ارائه کرد (صدیق، ۱۳۴۰).

آن تحت نظارت دانشگاه ادامه یافت (صافی، ۱۳۸۴). چنین تغییری در نظام تربیت معلم کشور با اصلاحاتی در برنامه درسی دانشسراها همراه شد. در سال‌های نخست این اصلاح در حد تغییر در ساعت و یا محتوای دروس تعیین شده بود. به عنوان مثال یکی از اقدامات انجام شده در زمینه اصلاح برنامه درسی تربیت معلم، رأی صادره درخصوص سبک کردن برنامه دانشسرای مقدماتی بود (مصوبه مورخ ۱۳۱۵/۰۶/۳۱ شورای عالی معارف) که بر اساس آن، بخش‌هایی از سرفصل دروس مختلف حذف گردید و در برخی موارد، ساعات تدریس دروس تغییر یافت. در سال ۱۳۱۷ تغییراتی در ساختار نظام آموزشی کشور ایجاد شد و دوره آموزش متوسطه که تا آن زمان دو دوره سه‌ساله بود به سه دوره تبدیل شد. دوره اول سه‌ساله و اجباری، دوره دوم دوساله و اجباری و دوره یک ساله انتخابی که دارای سه رشته ادبی، ریاضی و طبیعی بود. در این سال با تأسیس فرهنگستان زبان فارسی، نام شورای عالی معارف به «شورای عالی فرهنگ» تغییر یافت. بدین ترتیب به تبع تغییرات انجام شده در ساختار نظام آموزشی، برنامه‌های درسی دانشسراها در سال ۱۳۲۰ به طور گسترده‌تری توسط شورای عالی فرهنگ بازنگری شد. مطابق برنامه درسی بازنگری شده در سال ۱۳۲۰، عناوین درسی در سه بخش «دروس پرورشی و ادبی»، «دروس علمی» و «دروس عملی» تعیین شده بود (جدول ۳). علاوه بر این با توجه به اهداف سیاسی کشور در این دوره، دروس «تعلیمات نظامی» و «پرورش بدنی و پیشاهنگی» در بخش دروس عملی به برنامه‌های درسی دانشسراهای مقدماتی پسران و دختران افزوده شد (دفتر هماهنگی طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه، ۱۳۶۴: ۴۴).

علاوه بر این اقدامات اصلاحی درخصوص برنامه درسی دانشسراهای مقدماتی در این دوره به پیشنهاد اعضای شورای فرهنگ و در راستای تکمیل سرفصل دروس، تحت عناوینی همچون «الحاق تبصره» و یا «دستور تحصیلات دوره تکمیلی» در شورای عالی فرهنگ مطرح و مصوب می‌شده است (به‌طور مثال مصوبه مورخ ۱۳۲۳/۰۴/۲۷ شورای عالی فرهنگ درخصوص دوره تکمیلی ورزش و یا مصوبه مورخ ۱۳۳۶/۰۷/۱۴ شورای عالی فرهنگ درخصوص افزودن درس تاریخ فرهنگ ایران).

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

جدول ۳- برنامه درسی دانشسراهای مقدماتی پسران و دختران (شورای عالی فرهنگ، ۱۳۲۰)

ردیف	دروس پرورشی و ادبی	سال اول	سال دوم
۱	روانشناسی آموزش و پرورش و اخلاق	۳	۲
۲	زبان و ادبیات فارسی	۴	۳
۳	زبان عربی	۲	۲
۴	زبان خارجه	۴	۴
۵	تاریخ	۱	۱
۶	جغرافیا	۱	۱
جمع			
۱۳		۱۵	
ردیف	دروس علمی	سال اول	سال دوم
۱	ریاضیات	۴	۳
۲	فیزیک و شیمی	۳	۳
۳	تاریخ طبیعی	۲	۲
۴	بهداشت (برای پسران) / بهداشت و بهداشتی (برای دختران)	۱	-
۱		۱	۱
جمع			
۸ (برای پسران) / ۹ (برای دختران)		۱۰	
ردیف	دروس عملی	سال اول	سال دوم
۱	نقاشی و رسم هندسی	۱	۱
۲	موسیقی و سرود	۲	۲
۳	پرورش بدنی و پیکانگی	۲	۲
۴	کارهای دستی و کشاورزی (برای پسران) / کارهای دستی (برای دختران)	۲	۲
۱		۱	۱
۵	تعلیمات نظامی (برای پسران) / خیاطی و خانه‌داری (برای دختران)	۳	۳
۲		۲	۲
۶	تمرین آموختاری	-	۵
جمع			
۱۵ (برای پسران) / ۱۳ (برای دختران)	۱۰ (برای پسران) / ۸ (برای دختران)		
مجموع کل			
۳۶ (برای پسران) / ۳۵ (برای دختران)	۳۵ (برای پسران) / ۳۳ (برای دختران)		

در سال ۱۳۳۴ پس از بحث در کمیسیون‌های متعدد، دانشسرای عالی از دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه تهران مجزا شد و از روز ششم آبان ۱۳۳۴ دوره دیگری از فعالیت خود را زیر نظر مستقیم وزارت معارف (آموزش و پرورش فعلی) آغاز نمود. چهار سال بعد در سال ۱۳۳۸ «قانون استقلال دانشسرای عالی» به تصویب مجلس شورای ملی رسید و به صورت موسسه‌ای مستقل کار خود را دنبال کرد. مطابق ماده ۱ قانون مذکور، دانشسرای عالی برای تربیت دبیران مورد احتیاج کشور تأسیس یافته و به صورت مؤسسه مستقل تحت نظر مستقیم وزیر فرهنگ اداره می‌شود که وظیفه «تدوین برنامه تحصیلات» براساس ماده ۳ بر عهده شورای دانشسرای

عالی می‌باشد که متشکل از رئیس و معاون و استادان و دانشیاران متصدی کرسی دانشسرای عالی و معاون یا مدیر کل تعلیماتی وزارت فرهنگ است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۳۸).

در آغاز دهه ۱۳۴۰ با شروع حکومت پهلوی دوم، از همان ابتدا موضوع اصلاح جامعه از طریق آموزش و پرورش مطرح شد. در میان طرح‌های شش‌گانه محمدرضا پهلوی برای اصلاح جامعه، موضوع بازمبانی و اصلاح برنامه‌های دوره‌های تربیت‌معلم نیز دیده می‌شد. یکی از اصول انقلاب سفید محمدرضا شاه پهلوی، انقلاب آموزشی و اداری بود. در راستای اقدامات مربوط به انقلاب آموزشی محمدرضا پهلوی، سپاه دانش تشکیل شد و مبارزه با بی‌سوادی و آموزش در روستا انجام گرفت و داوطلبانی عضو سپاه دانش شدند تا به آموزش در روستاها و بی‌سوادان بپردازند. در همین راستا با توجه به نیاز منطقه‌ای، مجوز تأسیس **آموزشگاه‌های تربیت‌معلم** در برخی از شهرستان‌ها و روستاها توسط وزارت فرهنگ صادر می‌شد. دوره تربیت‌معلم در این آموزشگاه‌ها یک‌ساله بود که بر اساس ماده ششم «اساسنامه کلاس تربیت‌معلم» مصوب ۱۳۳۸/۰۷/۱۸ شورای عالی فرهنگ، با فارغ‌التحصیلان این آموزشگاه مانند فارغ‌التحصیلان دانشسراهای مقدماتی رفتار می‌شود و وزارت فرهنگ موظف است آنان را برای خدمت آموزگاری استخدام نماید (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۶: ۱۲۳). برنامه درسی این دوره یک‌ساله مطابق موضوعات درسی دوره ابتدایی (شامل زبان و ادبیات فارسی، علوم دینی، تعلیمات عمومی، ورزش و کارهای دستی) به‌اضافه دروس علوم تربیتی بود که بر اساس تبصره ماده پنجم «اساسنامه کلاس تربیت‌معلم»، ریز مواد درسی از طرف اداره کل تربیت‌معلم و آموزش منابع انسانی^۱ تهیه می‌شود (شرکایی، ۱۳۸۶). این برنامه درسی سه سال بعد و با تصویب «آیین‌نامه امتحانات کلاس‌های یک‌ساله تربیت‌معلم و تربیت‌معلم روستایی» در تاریخ ۱۳۴۱/۰۳/۲۷ با تمرکز بر موضوعات درسی دوره ابتدایی و روش تدریس آن‌ها اصلاح شد.

۱. در اوایل دهه ۱۳۴۰ با هدف برنامه‌ریزی آموزشی و تخصیص نیروی انسانی جهت استخدام و تأسیس مراکز تربیت‌معلم و تأمین بودجه مورد نیاز، «اداره کل تربیت‌معلم و آموزش منابع انسانی» در وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش) تأسیس شد (صفی‌نژاد، ۱۳۹۵).

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

در سال ۱۳۴۲ طبق تصویب هیئت‌وزیران دانشسرای عالی منحل شد و به‌جای آن «سازمان تربیت‌معلم و تحقیقات تربیتی» به وجود آمد. تصویب این قانون به عنوان نقطه عطفی در تاریخ تربیت‌معلم ایران، وزارت آموزش و پرورش را مکلف می‌کرد تا برحسب نیاز اجتماعی و در راستای عدالت آموزشی، در مراکز شهرستان‌ها شعب دانشسرای عالی و یا بعضی از مؤسسات آن را ایجاد کند. در سال ۱۳۴۳ و در ادامه اقدامات اصلاحی نظام اداری و آموزشی پهلوی دوم، تفکیک وزارت فرهنگ به وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف و تأسیس وزارتخانه مستقل «آموزش و پرورش» صورت گرفت و شورای عالی فرهنگ به «شورای عالی آموزش و پرورش» تغییر نام داد. از مهم‌ترین اقدامات شورای عالی آموزش و پرورش در این دوره می‌توان به تغییر نظام آموزشی کشور در سال ۱۳۴۵ و ایجاد دوره راهنمایی تحصیلی اشاره کرد که مطابق آن ساختار آموزشی کشور شامل دوره ابتدایی ۵ ساله، دوره راهنمایی ۳ ساله و دوره متوسطه ۴ ساله شد.^۱ دو سال بعد از آن، یکی از اقدامات مربوط به انقلاب سفید در آموزش و پرورش عملیاتی شد و سند «منشور انقلاب آموزشی» در خصوص بهبود آموزش و انطباق برنامه‌های درسی با ضروریات زندگی نوین ایران، تدوین شد. در این سند درباره برنامه‌های درسی رهنمودهای به شرح ذیل پیشنهاد شده است:

«موضوعات متنوع‌تری باید تدریس شود و شیوه‌های تدریس هم باید به‌مقتضای روز تکمیل گردند به طوری که با نیازهای واقعی امروز و فردای ایرانیان منطبق باشند» (پهلوی، ۱۹۸۰: ۲۱۹).

از این رو به آموزش تاریخ و فرهنگ باستانی از یک‌سو و آموزش فنی و حرفه‌ای از سوی دیگر اهمیت بیشتری داده شد و این موضوعات در کنار تعلیمات مدارس جای گرفتند. در سال ۱۳۴۶ پس از تصویب «قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی» در مجلس شورای ملی، مجدداً دانشسرای عالی دایر شد و اختیارات آموزش و پرورش در رابطه با دانشسرای عالی بر عهده وزارت علوم و آموزش عالی نهاده شد (معتمدی، ۱۳۷۹).

۱. پیش از این طبق قانون اساسی معارف سال ۱۲۹۰ دوره‌های تحصیلی ایران شامل دوره ابتدایی ۶ سال و دوره اول و دوم متوسطه هرکدام ۳ سال بوده است.

با توجه به تغییر در ساختار نظام آموزشی و محتوای آن، برنامه درسی دانشسراهای مقدماتی تحت نظر وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۸ بازنگری شد و در تاریخ ۱۳۴۹/۰۲/۲۰ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. در این دوره تولید و بازنگری برنامه درسی دانشسراها که پیش از این توسط شورای دانشسرای عالی مرکزی صورت می-گرفت، تحت نظر دفتر تربیت معلم در وزارت آموزش و پرورش و همچون قبل به طور متمرکز انجام می شده است. در راستای همسویی با تغییرات نظام آموزشی و افزوده شدن دوره راهنمایی تحصیلی به آموزش های مدرسه ای، در تاریخ ۱۳۴۹/۰۳/۱۷ اساسنامه دانشسراهای دوره راهنمایی تحصیلی به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. برنامه های درسی دانشسراهای راهنمایی، بر اساس ماده ۶ اساسنامه آن، شامل دروس عمومی و اختصاصی بود (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۶: ۱۴۸) که در جدول ۴ نشان داده شده است. همان طور که در جدول ۴ مشخص شده است در برنامه درسی تربیت معلم دوره راهنمایی با توجه به رشته تخصصی، میزان ساعات دروس رشته ای متفاوت است که در سال دوم ۶ ساعت از دروس رشته ای به تمرین معلمی اختصاص دارد. علاوه بر این در برنامه درسی مذکور، دروسی با عنوان دروس عمومی مشخص شده است که از جنس دروس تربیتی می باشند و برای همه رشته ها یکسان است.

جدول ۴- برنامه درسی دانشسراهای دوره راهنمایی در سال ۱۳۴۹ (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۶)

ساعات هفتگی درس		موضوع درسی
تعداد ساعات درس در سال دوم	تعداد ساعات درس در سال اول	
۱۶	۱۵	— دروس عمومی — دروس اختصاصی :
۱۶	۱۶	۱- زبان خارجه
۲۰	۱۳	۲- علوم انسانی و اجتماعی
۱۶	۹	۳- ریاضیات
۱۸	۱۳	۴- علوم تجریس
۲۸	۲۲	۵- فنی و حرفه ای
۱۰	۱۰	— دروس انتخابی

در سال ۱۳۵۱ پس از دوره دوساله اجرای آزمایشی برنامه‌های درسی دانشسراهای راهنمایی تحصیلی، برنامه درسی آن در هفت رشته زبان فارسی و علوم انسانی، علوم تجربی، علوم ریاضی، حرفه‌وفن و هنر، تربیت‌بدنی و زبان خارجه به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. علاوه بر این دروس علوم تربیتی برنامه درسی دانشسراهای راهنمایی تحصیلی، چهار سال بعد در تاریخ ۱۳۵۵/۰۱/۲۲ بازنگری شد. در این دوره با توجه به نیازهای نظام آموزشی و در برخی موارد نیازهای منطقه‌ای و بومی، علاوه بر دانشسراهای مقدماتی و دانشسراهای راهنمایی تحصیلی، مراکز تربیت‌معلم دیگری تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش تأسیس شدند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

▪ **دانشسراهای روستایی:** در سال ۱۳۵۱ به منظور تربیت‌معلم برای آموزگاری در کلاس‌های اول تا پنجم دبستان‌های روستا، دانشسراهای روستایی تأسیس شد (اساسنامه دانشسراهای روستایی، ۱۳۵۱). برنامه درسی این مراکز مطابق اساسنامه آن شامل دروس و معلوماتی بوده است که برای تدریس در دبستان‌ها ضرورت داشته است و فهرست موضوعات درسی و ریز مواد درسی از طرف اداره کل تربیت‌معلم تهیه و به مراکز ابلاغ می‌شده است (اساسنامه دانشسراهای روستایی، ۱۳۵۱).

▪ **دانشسراهای عشایری:** در سال ۱۳۳۵ با تأسیس مدارس ویژه عشایر و تصویب طرح تعلیمات عشایر به همت «محمدبهن بیگی» بنیان‌گذار آموزش سواد در مناطق عشایری، فارغ‌التحصیلان دانشسرای مقدماتی برای تدریس در مدارس عشایری اعزام شدند؛ اما پس از یک سال به دلیل اینکه معلمان شهری قادر به تطبیق خود با شرایط زندگی عشایری نبودند، این طرح با شکست مواجه شد. بدین ترتیب در ادامه تلاش‌های فراوان بیگی برای جلوگیری از تعطیل شدن مدارس عشایری، آموزش و پرورش استان فارس طرح تأسیس دانشسرای عشایری را به شورای عالی فرهنگ ارائه کرد و در سال ۱۳۳۶ دانشسرای عشایری در شیراز تأسیس شد. داوطلبان دانشسراهای عشایری به شرط دارا بودن مدرک پنجم ابتدایی و یا سوم راهنمایی همانند سایر دانشسراها با قبولی در آزمون کتبی و مصاحبه در این دانشسراها پذیرفته می‌شدند. دارندگان مدرک تحصیلی پنجم ابتدایی پس از طی دوره چهارساله و دارندگان مدرک تحصیلی سوم راهنمایی پس از گذراندن دوره دوساله کارآموزی می‌توانستند تنها در مدارس مناطق

عشایری به تدریس بپردازند (فتحی، ۱۳۷۰: ۲۳) که انتخاب و نوع تدریس، بازدید و راهنمایی و کلیه خدمات آن‌ها را بیگی به عهده گرفت (بینشی فر، ۱۳۹۲).

پس از تحولات مختلفی که درخصوص تربیت دبیر دوره متوسطه صورت گرفت، بنا به تصویب جلسه ۹۸ شورای گسترش وزارت علوم و آموزش عالی در تاریخ ۱۳۵۳/۰۷/۲۱ دانشسرای عالی با عنوان «دانشگاه تربیت معلم» تغییر نام یافت که مهم‌ترین هدف آن توسعه برنامه تربیت دبیر در سطح کشور بود. در این دوره علاوه بر تأسیس شعبه‌هایی از دانشگاه تربیت معلم به نام دانشسرای عالی در شهرهای مختلف، در برخی از دانشگاه‌های کشور دانشکده‌ای به نام دانشکده علوم تربیتی به وجود آمد که وظیفه اصلی آن تربیت دبیر در شعبه‌های مختلف بود. در دانشگاه تربیت معلم دانشجویان هر رشته شامل دانشجویان دبیری و دانشجویان آزاد بودند و فقط دانشجویان دبیری کلاس‌های دروس تربیتی را می‌گذراندند (معمدی، ۱۳۹۰: ۸۵). در این دوره از تاریخ تربیت معلم که وظیفه تربیت دبیر بر عهده دانشگاه‌ها بود، نوع دیگری از برنامه درسی چند رشته‌ای در دوره‌های تربیت دبیر رواج یافت. بدین ترتیب که آموزش دوره‌های دبیری در یک رشته اصلی (مهاد^۱) و در یک رشته فرعی (کهاد) با تعداد واحدهای درسی حدود یک نیمسال انجام می‌شد. این ایده که به سبب دستیابی به معلم چندحرفه‌ای پدید آمده بود، این امکان را فراهم می‌کرد تا معلمان بتوانند در راستای پاسخگویی به نیازهای بومی و مدرسه‌ای، دو رشته را تدریس کنند.

در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی انقلاب اسلامی درباره تغییر ساختار تربیت معلم و تهیه برنامه‌های درسی، مطالعاتی در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی^۲، دفتر تربیت معلم و شورای عالی آموزش و پرورش صورت گرفت (صافی، ۱۳۹۱: ۳۷). در این سال اساسنامه جدید مراکز تربیت معلم تهیه و در غیاب شورای عالی آموزش و پرورش به تأیید وزیر آموزش و پرورش وقت (شهید رجایی) رسید. با تصویب این اساسنامه فعالیت کلیه مراکز تربیت معلم قدیم اعم از دانشسراهای مقدماتی، راهنمایی تحصیلی، مراکز تربیت مربی کودک، مراکز تربیت معلم

۱. مهاد مجموعه دروسی است که رشته اصلی تحصیلات دانشگاهی را تشکیل می‌دهد.

۲. این دفتر در حال حاضر با نام «دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی» فعالیت دارد.

روستایی و عشایری متوقف گردید^۱ و به‌جای آن‌ها مراکز جدیدی به نام «مرکز تربیت‌معلم» تأسیس شد. این توقف که به لحاظ عامل سیاسی در کشور رخ داد علاوه بر تغییر رویکردها و جریان‌های داخلی، بنیادهای آموزش معلمان را نیز تغییر داد.

در سال ۱۳۵۹ دفتر تربیت‌معلم تغییراتی در روند برنامه‌ریزی و اجرایی مراکز به وجود آورد و در قالب طرحی جدید، در سال ۱۳۶۰ از طریق آزمون سراسری در ۵۲ مرکز تربیت‌معلم حدود بیست هزار دانشجو پذیرش شد (فلاحی، ۱۳۸۸). در این دوره به‌تبع تغییر ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی تغییراتی نیز در اساسنامه و برنامه‌های درسی مراکز تربیت‌معلم به وجود آمد. مطابق «اساسنامه مراکز تربیت‌معلم» که در تاریخ ۱۳۶۲/۰۶/۰۲ به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید، رشته‌های تحصیلی، مواد درسی، برنامه‌های تفصیلی دروس و جدول ساعات دروس توسط «دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی» با همکاری «دفتر تربیت‌معلم» تدوین و به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش می‌رسیده است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۶۲). در راستای بازنگری‌های انجام شده در این دوره، ساعات بیشتری از دروس به معارف اسلامی اختصاص یافت. همچنین بعضی از برنامه‌های درسی عمومی و اختصاصی رشته‌های مختلف، پس از تدریس از لحاظ نام درس، میزان ساعات تدریس و زمان ارائه درس، در طی دو سال تحصیلی بازنگری شد.

دگرگونی‌های این دوره از نظام آموزشی کشور که در راستای عدالت آموزشی و با موضوع پاسخگویی به نیازهای آموزشی مناطق محروم همراه بود (به‌ویژه در دوران محمدرضا شاه)، موجب شده بود برنامه‌های درسی تربیت‌معلم با رویکرد چند رشته‌ای دنبال شوند. رویکرد چند رشته‌ای بر مبنای این واقعیت است که دیسیپلین‌های مجزا و مستقل زیادی وجود دارد و در عین حال که دانشجویان معمولاً در یک دیسیپلین متخصص می‌شوند، می‌توانند به مطالعه جزئی برخی رشته‌های دیگر نیز بپردازند (ملکی به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۰). در این دوره دو معنا از برنامه درسی چند رشته‌ای مورد نظر است:

۱. بدین ترتیب که برای سال اول این مراکز (در سال ۱۳۵۹)، دانشجوی جدید پذیرفته نشد ولی دانشجویان سال دوم تحصیل خود را به اتمام رساندند.

در معنای اول دروس رشته علوم تربیتی فارغ از رشته فرد، همراه با دروس تخصصی رشته‌ای در برنامه درسی تربیت‌معلم ارائه می‌شده است و معلم بجای اینکه تنها در رشته خود متخصص شود، دانش تربیتی مربوط به حرفه معلمی را نیز کسب می‌نموده است. آن‌چنان که ذکر شد در برنامه درسی دانشسراها علاوه بر آموزش دروس تخصصی مربوط به گرایش‌های مختلف، برخی از دروس مربوط به رشته علوم تربیتی نیز تدریس می‌شد. در این رویکرد با تلقی سنتی از رشته‌های دانشگاهی، هویت موضوعات مجزا در انتخاب محتوا، حفظ می‌شود و یادگیرندگان تا آنجا که محتوا یا مهارتی به مضمون اصلی مربوط باشد، همچنان از یک ماده درسی به ماده درسی دیگر حرکت می‌کنند.

در معنای دوم از برنامه درسی چند رشته‌ای، موضوع تربیت‌معلم در دو رشته تخصصی به صورت مهاد و کهاد مطرح می‌شود؛ آن‌چنان که در دوره‌های دبیری دانشگاه تربیت‌معلم، داوطلبان شغل معلمی علاوه بر گذراندن دروس تخصصی در رشته خود با گذراندن بخشی از واحدهای درسی یک رشته دیگر، توانایی تدریس در رشته دوم را نیز کسب می‌نمودند. در واقع می‌توان گفت برنامه درسی تربیت‌معلم در این دوره با رویکرد چند رشته‌ای، نمایانگر همزیستی چند رشته با همدیگر است و عبارت است از کنار هم قرار دادن دیدگاه‌ها و تعاملات رشته‌های متفاوت. اگرچه این نوع کنار هم قرار گرفتن تحلیل‌ها می‌تواند موجب غنای اطلاعات شود اما در عین حال، تفاوت‌ها و محدوده هر یک از دیدگاه‌ها به قوت خود باقی می‌ماند (ملکی و سلیمی، ۱۳۸۹: ۷۷).

▪ دوره سوم: دوره برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲)

با بازگشایی دانشگاه‌ها و توسعه مراکز آموزشی، در جهت همسویی با تغییرات سیاسی و اجتماعی پدید آمده دوره جدیدی از برنامه‌های تربیت‌معلم در کشور آغاز شد. در سال ۱۳۶۳ «شورای عالی انقلاب فرهنگی» با هدف اسلامی کردن دانشگاه‌ها تشکیل شد. به همین منظور و با توجه به نیاز به سیاست‌گذاری و نظارت بر روند تدوین و بازنگری برنامه‌های درسی و تحقق سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در امر برنامه‌ریزی، تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی در جلسه مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورایی تحت نام «شورای عالی برنامه‌ریزی» با شش گروه

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

برنامه‌ریزی شامل گروه پزشکی، گروه کشاورزی، گروه فنی و مهندسی، گروه علوم انسانی، گروه علوم پایه و گروه هنر تشکیل شد. این شورا جانشین ستاد انقلاب فرهنگی در تهیه و تدوین و تصویب برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مقررات و آئین‌نامه‌های آموزشی گردید. بدین ترتیب برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی برنامه‌های درسی دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به صورت متمرکز و از طریق این شورا بازبینی شد و دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مصوبات آن شدند. تأسیس این شورا، زمینه‌ساز مواجهه سازمان‌یافته با برنامه-ریزی درسی در آموزش عالی شد و آغازی برای انسجام بخشیدن به برنامه‌های آموزشی و نقطه شروعی در فرایند سازی برنامه‌های درسی دانشگاهی بود.

در این دوره با هدف بررسی و تصویب برنامه‌های درسی تربیت‌معلم و مقررات آموزشی مربوط به مراکز تربیت‌معلم و فراهم کردن زمینه اولیه تحصیل فارغ‌التحصیلان این مراکز، تشکیل گروه خاصی به نام «گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم» (مصوب پنجاه و نهمین جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۳ و اصلاحیه شصتیمین جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی) به عنوان هفتمین گروه^۱ از گروه‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی^۲ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

اولین جلسه گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم در تاریخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۳ در وزارت آموزش و پرورش با ریاست وزیر آموزش و پرورش وقت (محمدعلی نجفی) برگزار شد و بازنگری در عناوین و برنامه‌های درسی رشته‌های مراکز تربیت‌معلم به عنوان یکی از برنامه‌های واجد اولویت گروه شناسایی شد. اولین جلسه با موضوع بررسی عناوین رشته‌های مورد نیاز تربیت‌معلم در مقاطع پیش‌دبستانی، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در تاریخ ۱۳۶۹/۰۳/۰۸ تشکیل شد. در مصوبات این جلسه آمده است:

۱. گروه‌های برنامه‌ریزی شورای عالی: پزشکی، علوم پایه، فنی و مهندسی، علوم انسانی، هنر، کشاورزی و گروه هماهنگی تربیت معلم.

۲. بعدها وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نامیده شد.

«در تربیت معلم، هر معلم تنها در یک رشته تخصصی دانشگاهی آموزش ببیند و به منظور تطبیق ساعات موظف وی با ساعات دروس واحد آموزشی، دوره‌های تکمیلی تخصصی برنامه‌ریزی و از بدو شروع خدمت اجرا گردد» (مرکز برنامه‌ریزی آموزش منابع انسانی و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۴: ۴۱).

این مصوبه که سرآغاز دوره بازگشت به برنامه درسی رشته‌ای و تربیت معلم تک حرفه‌ای است بیانگر ترویج ایده تخصص‌گرایی و نگاه دیسپلین محور سیاست‌گذاران آموزشی این دوره بوده است. بر اساس متن صورت‌جلسات گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم، در جلسات دوم تا ششم، با هدف تجدیدنظر در دروس تربیتی دوره‌های کاردانی و کارشناسی، کمیته دروس تربیتی در ذیل کمیته اصلی گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم تشکیل شد و اصلاح عناوین دروس عمومی و تربیتی رشته‌های تربیت معلم با حذف و یا افزودن برخی دروس به پیشنهاد اعضای گروه به تصویب رسید که جهت تصویب نهایی و ابلاغ آن به شورای عالی برنامه‌ریزی ارسال شد (مرکز برنامه‌ریزی آموزش منابع انسانی و فناوری اطلاعات، ۱۳۹۴: ۷۰).

به منظور انجام برنامه‌ریزی در رشته‌های گوناگون، دو کمیته اصلی «برنامه‌ریزی تربیت معلم عمومی» و «برنامه‌ریزی تربیت معلم فنی و حرفه‌ای» به عنوان پشتوانه کارشناسی با کمیته‌های تخصصی ذیل در گروه هماهنگی تشکیل شد که مصوبات آن‌ها پس از تصویب در گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت معلم به کمیته‌های تخصصی مزبور ابلاغ می‌شد:

۱) «کمیته اصلی برنامه‌ریزی تربیت معلم عمومی»: این کمیته با هدف برنامه‌ریزی تربیت معلم دوره ابتدایی، راهنمایی، متوسطه نظری، پیش‌دانشگاهی و مراکز تربیت معلم در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی^۱ مستقر بود. کمیته‌های تخصصی برنامه‌ریزی تربیت معلم شامل: علوم تربیتی، آموزش ابتدایی، آموزش ریاضی، آموزش علوم، آموزش هنر، آموزش زبان انگلیسی، آموزش علوم اجتماعی، آموزش ادبیات فارسی، آموزش دینی و عربی، تربیت بدنی و علوم ورزشی و امور تربیتی و مشاوره بود.

۱. در حال حاضر مسئولیت کمیته تخصصی برنامه‌ریزی تربیت معلم رشته‌های عمومی برعهده دانشگاه فرهنگیان می‌باشد.

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

۲) «کمیته اصلی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم فنی و حرفه‌ای»: این کمیته به منظور برنامه‌ریزی تربیت‌معلم شاخه‌های کاردانش، فنی و حرفه‌ای و آموزشکده‌های فنی در معاونت آموزش نظری و مهارتی مستقر بود. کمیته‌های تخصصی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم فنی و حرفه‌ای شامل: اتومکانیک، ساخت و تولید، الکترونیک، قدرت، تأسیسات، صنایع چوب، صنایع فلزی، ساختمان، مواد و حسابداری^۱ بود.

در سال ۱۳۷۷ با توجه به نیاز دیگری در کشور، مجوز تأسیس «دوره کاردانی پیوسته دانشسراهای تربیت‌معلم» به منظور تأمین نیروی انسانی مورد نیاز مناطق محروم کشور به تصویب کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش رسید (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۷). مطابق ماده ۵ و ماده ۶ این مجوز، برنامه درسی دوره سه ساله دانشسراهای تربیت‌معلم توسط وزارت آموزش و پرورش تدوین و با تصویب کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش قابل اجرا است. محتوای دروس، برنامه آموزشی و امتحانات سال اول دانشسرا، همانند سال سوم متوسطه در یکی از رشته‌های نظری است و برنامه آموزشی و محتوای دروس سال‌های دوم و سوم دانشسرا در هر رشته با برنامه آموزشی و محتوای دروس در مراکز تربیت‌معلم در همان رشته یکسان بود (صافی، ۱۳۹۱).

با هدف تجمیع مراکز تربیت‌معلم، در سال ۱۳۸۶ «مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (ص)» تأسیس شد. بر اساس آنچه شرح داده شد در این دوره، تولید و بازنگری برنامه‌های درسی دوره کاردانی و کارشناسی ناپیوسته برای تربیت‌معلم دوره ابتدایی و راهنمایی بر عهده وزارت آموزش و پرورش و گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم بوده است و تولید و بازنگری برنامه‌های درسی کارشناسی پیوسته برای تربیت دبیر دوره متوسطه بر عهده وزارت علوم و آموزش عالی و شورای عالی برنامه‌ریزی بوده است. بدین ترتیب با آغاز فعالیت دانشگاه تربیت‌معلم و تأسیس دانشکده‌های علوم تربیتی مسئولیت آماده‌سازی تربیت‌معلم برای دوره متوسطه (دبیران) به دانشگاه‌ها واگذار شده بود.

۱. در حال حاضر مسئولیت کمیته تخصصی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم رشته‌های فنی و حرفه‌ای برعهده دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی می‌باشد.

آنچه در این دوره به عنوان رویکرد بارز در اصلاح برنامه‌های درسی تربیت‌معلم تحت هدایت هر دو جریان، مطرح بود، توجه به دانش و ساختار علمی رشته‌ای به سبب حضور متخصصان رشته‌ای در کمیته‌های تخصصی بازنگری گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم و شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم بود. رویکرد رشته‌ای به عنوان رایج‌ترین شیوه سازمان‌دهی برنامه درسی، شیوه‌ای مبتنی بر رشته‌های علمی و برنامه‌های درسی به روش سنتی است. در برنامه درسی رشته‌ای، موضوعات درسی به طور مجزا و در بخش‌های مجزا ارائه می‌شود، همان‌گونه که در برنامه‌های درسی این دوره، بخش‌های مجزای دروس عمومی، دروس تربیتی، دروس پایه و تخصصی لحاظ شده بود. چنین نگاه صرف موضوعی و رشته‌ای، بدون در نظر گرفتن رویکرد میان‌رشته‌ای در برنامه‌های درسی تربیت‌معلم تا پیش از تأسیس دانشگاه فرهنگیان در برنامه‌های درسی تربیت‌معلم دنبال شده است.

▪ دوره چهارم: دوره برنامه درسی میان‌رشته‌ای (از ۱۳۹۳ تاکنون)

با توجه به ایده تجمیع و یکپارچه‌سازی مراکز تربیت‌معلم و هم‌زمان با تأسیس «دانشگاه فرهنگیان»، موضوع بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در رشته‌های گوناگون مطرح شد. ضرورت بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در این دوره به شکل آشکاری با تحولات اجتماعی و علمی دو دهه گذشته، الزامات قانونی و اساسنامه‌ای^۱ و همچنین آرمان‌های مطرح در برنامه‌های توسعه کشور توجیه می‌گردد. برنامه‌های درسی قدیم به دلیل طول عمری که داشتند (به طور میانگین ۱۷ سال)، با تغییرات مطرح در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش انطباق نداشتند؛ سندی که بنیاد تأسیس دانشگاه فرهنگیان محسوب می‌شود و بر اساس آن دانشگاه فرهنگیان مکلف به تأمین و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش بود. بر اساس چنین ضرورت‌هایی، دانشگاه فرهنگیان در جهت تحقق اهداف بلندمدت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و در نخستین گام بازنگری برنامه‌های درسی، اقدام به

۱. دانشگاه فرهنگیان به استناد تبصره ۲ و ۳ ماده ۲۳ اساسنامه خود، موظف به ارائه ۳۵ واحد دروس «معارف دینی و تعلیم و تربیت اسلامی» و دست کم ۸ واحد «کارآموزی» به اضافه واحدهای برنامه درسی مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، به طوری که امکان فارغ التحصیلی دانشجو معلمان بدون رعایت این الزام میسر نیست.

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

تدوین سند «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت‌معلم^۱» نمود. منظور از معماری یا طرح کلان برنامه درسی، تصمیم‌گیری درباره رویکردها، اهداف، اصول و سایر عناصر مشترک تمامی رشته‌های تحصیلی دوره‌های تربیت‌معلم است. موسی پور (۱۳۹۶) یکی از اعضای کمیسیون طراحی کلان برنامه درسی تربیت‌معلم در شرح چالش‌های تدوین سند «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت‌معلم» می‌گوید:

«یکی از واقعیت‌هایی که در تدوین سند «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت‌معلم» به سرعت رخ نمایاند و همچون مانعی بزرگ پدیدار شد، «فقر تجربه طراحی کلان برنامه درسی» در نظام آموزشی و مخصوصاً آموزش عالی ایران بود. این موضوع با همراهی «کشش فهم‌های متعدد» اسناد تحولی، زمینه‌ای بسیار چالش‌برانگیز را برای انجام کار ایجاد کرد. در چنین زمینه‌ای، موضوع «جهت‌گیری تربیت‌معلم» در بستر تجربه تاریخی و نیازهای جاری، نیز زمینه‌ساز تفاوت آراء و اختلاف نظر بود. کمیسیون طراحی کلان برنامه درسی تربیت‌معلم، با «مطالعه گسترده منابع مربوط» و با «کسب مشورت از متخصصان تربیت‌معلم داخل و خارج از کشور از طریق گفتگوی حضوری و غیرحضوری»، کار را به گونه‌ای پیش برد که علاوه بر استخراج سیاست‌های مبانی نظری سند تحول، مطالعه نظام‌های تربیت‌معلم در ایران و چندین کشور جهان و بازبینی و نقد الگوهای جاری در سطح جهانی، در نهایت اقدام به طراحی و ارائه الگویی برای تربیت‌معلم ایران کرد» (موسی پور، ۱۳۹۶).

در این میان یکی از اقدامات مهم در راستای تصویب «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت‌معلم»، احیای گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم بود. بررسی پیشینه تاریخی این گروه حاکی از آن بود که با کاهش پذیرش دانشجو در مراکز تربیت‌معلم، قریب به ۹ سال (از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳) برگزاری جلسات گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم متوقف گردیده بود؛ اما با تأسیس دانشگاه فرهنگیان و به جهت تصویب سند «طراحی کلان برنامه درسی تربیت‌معلم» و همچنین مصوب سازی برنامه‌های درسی بازنگری شده، نیاز به احیای این گروه بود. اولین کوشش‌های دانشگاه فرهنگیان برای فعال‌سازی گروه هماهنگی برنامه-

۱. برآمده از مباحث کمیسیون طراحی کلان برنامه درسی تربیت‌معلم متشکل از «دکتر محمود مهرمحمدی»، «دکتر نعمت‌الله موسی‌پور»، «خانم آمنه احمدی»، «دکتر عباس صدری» و «دکتر علیرضا صادق‌زاده».

ریزی تربیت‌معلم از طریق وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیگیری شد تا اینکه در تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۲۹ برگزاری جلسات گروه مذکور با ریاست وزیر آموزش و پرورش وقت (علی اصغر فانی) از سر گرفته شد. بدین ترتیب پس از تصویب سند مذکور در گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم و شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۸، زمینه لازم برای بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های مختلف تربیت‌معلم فراهم گردید.

در سند مذکور آنچه به عنوان هدف بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم مطرح می‌شود، عبارت است از: **کسب شایستگی حرفه‌ای گری معلم و ابعاد کلیدی آن (شایستگی‌های کلیدی)** که تبیین‌کننده هویت حرفه‌ای معلم می‌باشند (موسی پور و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۴). بر اساس سند مذکور ابعاد شایستگی‌های کلیدی که در تولید برنامه درسی تربیت‌معلم دارای نقش کلیدی هستند عبارت‌اند از:

- شایستگی‌های معطوف به دانش موضوعی^۱ (شایستگی تخصصی رشته)

- شایستگی‌های معطوف به دانش تربیتی^۲

- شایستگی‌های معطوف به عمل تربیتی موضوعی^۳

- شایستگی‌های معطوف به دانش عمومی^۴ (موسی پور و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۷).

با در نظر گرفتن این شایستگی‌ها، امر بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان که در بسیاری موارد به لحاظ تغییرات ساختار برنامه درسی و ورود دروس جدید به برنامه‌های درسی از جنس تولید محتوا بوده است، در تابستان سال ۱۳۹۳ توسط ۱۶ کارگروه تخصصی رشته‌ای و ۲ کارگروه عمومی دروس تربیتی و دروس توسعه حرفه‌ای (هر یک متشکل از دو عضو هیئت‌علمی، یک نفر مدرس دانشگاه فرهنگیان، یک نفر نماینده دفتر تألیف کتب درسی و یک نفر متخصص رشته برنامه‌ریزی درسی) آغاز شد. چهارچوب برنامه درسی تربیت‌معلم براساس سند «طراحی کلان برنامه درسی تربیت‌معلم»، متشکل از دروس عمومی، دروس تعلیم

-
1. Content Knowledge (CK)
 2. Pedagogical Knowledge (PK)
 3. Pedagogical Content Knowledge (PCK)
 4. General Knowledge (GK)

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

و تربیت اسلامی، دروس تربیتی، دروس تخصصی رشته‌ای و دروس موضوعی-تربیتی به همراه کارورزی است. در این چهارچوب نوآورانه که به نوعی منجر به تغییر مسیر رویکرد برنامه درسی تربیت‌معلم از برنامه درسی رشته‌ای به برنامه درسی میان‌رشته‌ای شده است، برای نخستین بار دروس تلفیقی موضوعی-تربیتی در برنامه‌های درسی تربیت‌معلم وارد شد؛ به طوری که از مجموع ۱۵۰ واحد درسی، ۲۷ واحد به دروس موضوعی-تربیتی اختصاص یافت. عناوین این دروس موضوعی-تربیتی در جدول ۵ آمده است.

گذر از دوره برنامه درسی رشته‌ای به برنامه‌های درسی با رویکرد میان‌رشته‌ای در فرایند بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در این دوره با چالش‌های زیادی همراه بود که اختلاف-نظر میان متخصصان رشته‌ای و متخصصان علوم تربیتی از بارزترین آن‌ها بود. چنین اختلاف-نظرهایی موجب می‌شد در برخی از کارگروه‌های تخصصی کار بازنگری متوقف شود و یا به‌کندی پیش رود. در این میان متخصصان رشته‌ای به سبب نگرش و تعصبی که نسبت به رشته تخصصی خود داشتند، حاضر به پذیرش رویکرد میان‌رشته‌ای و کاهش واحدهای تخصصی (رشته‌ای) و اختصاص واحدهای درسی به دروس موضوعی-تربیتی و یا دروس تربیتی نبودند.

علاوه بر این هر یک از متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی و علوم پایه به واسطه تعلق آن‌ها به پارادایم‌های متفاوت معرفت‌شناختی، دارای ویژگی‌های متفاوتی بودند؛ از این رو پذیرش مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و راهنماهای بازنگری برنامه درسی که بر اساس سند «طراحی کلان برنامه درسی تربیت‌معلم» به کارگروه‌های تخصصی ابلاغ شده بود و آن‌ها را وادار به اجرای رویه‌ای متحد می‌نمود، با مشکل مواجه بود. از طرفی اصلاح برنامه‌های درسی و تدوین سرفصل دروس با رویکرد جدید شایستگی‌محور که برای نخستین بار در برنامه‌های دانشگاهی پیاده می‌شد با مشکلاتی نیز همراه بود. چنین مشکلاتی که اغلب به دلیل عدم آشنایی اعضای کارگروه‌ها با شیوه سرفصل‌نویسی و مؤلفه‌های آن بود در بسیاری موارد توسط دبیران کارگروه‌های بازنگری که متخصصان برنامه‌ریزی درسی بودند، رفع می‌گردید.

پس از فرایند بازنگری و تصویب برنامه‌های درسی بازنگری شده که حدود سه سال (از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶) به طول انجامید، تمامی ۱۶ برنامه درسی بازنگری شده دوره کارشناسی پیوسته

به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسید و جهت اجرا به کلیه پردیس‌ها و مراکز دانشگاه فرهنگیان ابلاغ شد.

جدول ۵- عناوین دروس موضوعی - تربیتی (موسی پور و احمدی، ۱۳۹۵: ۴۵)

شایستگی	عنوان درس ^۱	تعداد واحد	ساعت			
			نظری	عملی	کارگاهی	کارورزی
	فلسفه معلمی ...	۱	۱۶			
	برنامه‌ریزی درسی ...	۲	۳۲			
	راهبردهای تدریس ...	۱			۴۸	
	طراحی آموزشی در ...	۱			۴۸	
	طراحی واحد یادگیری در ...	۱			۴۸	
	آزمون‌های تحلیلی و آزمون‌سازی ...	۲	۱۶	۳۲		
	تحلیل محتوای مواد آموزشی ...	۲	۱۶	۳۲		
	کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در رشته ... ۱	۱			۴۸	
	کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در رشته ... ۲	۱			۴۸	
	کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در رشته ... ۳	۱			۴۸	
	نجریه‌های خاص حرفه‌ای در ...	۱	۱۶			
	پژوهش و توسعه حرفه‌ای ۱: پژوهش دفاعی	۱			۴۸	
	پژوهش و توسعه حرفه‌ای ۲: کنش پژوهی	۱			۴۸	
	پژوهش و توسعه حرفه‌ای ۳: درس پژوهی	۱			۴۸	
	کارورزی ۱	۲				۱۲۸
	کارورزی ۲	۲				۱۲۸
	کارورزی ۳	۲				۱۲۸
	کارورزی ۴	۲				۱۲۸
	کارنامه‌ی معلمی (پروژه)	۲				-
	جمع	۲۷	۹۶	۶۴	۴۳۲	۵۱۲
						۱۳۶۴

تربیتی - آموزشی

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه جایگاه کنونی تربیت‌معلم ایران ثمره تجربه‌ای صدساله است و به سبب سابقه‌ای که دارد، از سویی به هنگام انجام بازنگری‌ها و اعمال هرگونه تغییر باید این سابقه را

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

در نظر داشت و به دلیل تعلقات تاریخی با احتیاط برخورد نمود؛ از سوی دیگر بدون توجه به تجربه آن نمی‌توان تصویر درستی از موقعیت کنونی تربیت‌معلم در ایران ترسیم کرد و تصمیماتی را برای آینده نظام تربیت‌معلم کشور اتخاذ نمود. بر مبنای چنین ضرورتی، در پژوهش حاضر به این تجربه غنی توجه گردید و تلاش شد تا از طریق تحلیل تاریخی و پاسخ به سؤال پژوهش، سیر چگونگی بازنگری برنامه درسی تربیت‌معلم ایران از سال ۱۲۹۷ (تأسیس دارالمعلمین مرکزی) تاکنون (سال ۱۳۹۶) شناسایی شود. با مروری که بر سیر تاریخی تحولات بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم انجام شد، چهار دوره شناسایی شد: دوره اول: دوره آغازین تربیت‌معلم در ایران و برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۲۹۷ تا ۱۳۱۲)؛ دوره دوم: دوره ترویج ایده‌های تربیتی و برنامه درسی چند رشته‌ای (از ۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲)؛ دوره سوم: دوره بازگشت به برنامه درسی رشته‌ای (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۲) و دوره چهارم: دوره تربیت‌معلم شایستگی‌محور و برنامه درسی میان‌رشته‌ای (از ۱۳۹۳ تاکنون).

در دوره آغاز تربیت‌معلم در کشور و در راستای حرکت به سوی مدرنیته، برنامه‌های درسی غربی به نظام آموزشی کشور ورود یافت. در این دوران که نگاه‌ها به سوی طرح‌ها و برنامه‌های کشورهای غربی معطوف شده بود، تلاش شد تا از این طریق ضعف‌های نظام آموزشی کشور رفع گردد. این دوره برای کشوری که نهادها و اجتماعات دینی و مذهبی دارای جایگاه خاصی بودند با کشمکش‌هایی میان سنت و مدرنیته همراه بود؛ تا جایی که برنامه‌های وارداتی و غربی جای خود را به برنامه‌هایی با اهداف سیاسی و گرایش‌های ملی‌گرایانه دادند. در جریان اصلاحات آموزشی این دوره که با تأسیس «دارالمعلمین» در نظام تربیت‌معلم همراه بود، دولت مرکزی با هدف پیشبرد اهداف سیاسی و تنظیم هماهنگ برنامه‌های درسی، اقدامات جدی در جهت متمرکزسازی برنامه‌ها انجام داد. آن‌چنان که تشکیل شورای عالی معارف به منظور هماهنگ‌سازی برنامه‌های درسی و انطباق با اهداف سیاسی در این دوره رخ داد. در این دوره، برنامه‌های درسی تربیت‌معلم با رویکرد رشته‌ای و با تمرکز بر دانش تخصصی تولید شد. در این رویکرد با حفظ هویت رشته‌ای، رعایت مرزهای ساختار رشته علمی و تمرکز بر دروس تخصصی، محتوای برنامه درسی سازمان‌دهی می‌شود.

در دوره دوم و در دوران پهلوی اول در پی تلاش برای تغییر جامعه فرهنگی کشور، اصلاحات نظام آموزشی و به تبع آن برنامه‌های تربیت‌معلم با سه هدف تجددگرایی، ملی‌گرایی و تمرکزگرایی دنبال شد. در این دوره با بازگشت اعزام‌شدگان به تحصیل در غرب ایده آموزش دروس علوم تربیتی در کنار آموزش‌های تخصصی در برنامه‌های تربیت‌معلم رواج یافت. در این دوره با توجه به نیاز کشور به نیروی متخصص و سیاست‌های اتخاذ شده در این زمینه، برنامه‌های درسی تربیت‌معلم با رویکرد چند رشته‌ای تولید و بازنگری شده است. در این دوره از تاریخ تربیت‌معلم در راستای پاسخگویی به نیازهای بومی و مدرسه‌ای، نوع دیگری از برنامه درسی چند رشته‌ای در دوره‌های تربیت دبیر رواج یافت. بدین ترتیب که آموزش دوره‌های دبیری در یک رشته اصلی (مهاده^۱) و در یک رشته فرعی (کهاد) دنبال می‌شد. این ایده که به سبب دستیابی به معلم چندحرفه‌ای پدید آمده بود، این امکان را فراهم می‌کرد تا معلمان بتوانند با توجه به نیاز مدارس، دو رشته را تدریس کنند.

در ادامه اصلاحات در دوره سوم، با توجه به اینکه مسئولیت اصلاح برنامه‌های درسی تربیت‌معلم به متخصصان رشته‌ای در کمیته‌های بازنگری گروه هماهنگی برنامه‌ریزی تربیت‌معلم و شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم واگذار شده بود، در بازنگری‌ها دانش و ساختار علمی رشته‌ای مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب در اصلاح برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در دوره سوم بازگشتی مجدد به رویکرد رشته‌ای شد؛ رویکردی که به عنوان رایج-ترین شیوه سازمان‌دهی برنامه درسی و شیوه‌ای مبتنی بر رشته‌های علمی و برنامه‌های درسی به روش سنتی معرفی می‌شود.

در دوره کنونی، بر اساس «طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت‌معلم»، برنامه‌های درسی تربیت‌معلم بر اساس رویکرد میان‌رشته‌ای بازنگری شد. در دوره کنونی تاریخ برنامه درسی تربیت‌معلم، مفاهیم نوینی همچون تربیت‌معلم فکور، عمل فکورانه، دروس پژوهش و توسعه حرفه‌ای و دروس تلفیقی موضوعی-تربیتی (PCK) به منظور ارتباط دادن دانش رشته-ای و دانش تربیتی برای نخستین بار در برنامه‌های درسی تربیت‌معلم گنجانده شد.

۱. مهاده مجموعه دروسی است که رشته اصلی تحصیلات دانشگاهی را تشکیل می‌دهد.

در نتیجه باهم‌نگری و نگاه کل‌گرایانه به دوره‌های تاریخی بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم، وجوه اجتماعی تغییرات که پیوندی عمیق با باورهای هر دوره داشته، آشکار می‌شود. سیر اصلاحات تربیت‌معلم علاوه بر تأثیرپذیری از اقتضانات و شرایط اجتماعی و سیاسی، دارای حرکتی رو به رشد بوده است. چنین رشدی که در ابتدا با تقلید از برنامه‌های غربی همراه بوده است، در دوران کنونی به سبب بروز ایده‌های نوین تربیتی در کشور و پیاده‌سازی آن‌ها در برنامه‌های درسی تربیت‌معلم قابل تأمل است. با توجه به اینکه بازنگری برنامه درسی پدیده‌ای وابسته به شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع قلمداد می‌شود؛ لذا کندوکاو تاریخی اصلاح آموزشی نه تنها نظام انتقادی مؤثر در یک جامعه مفروض، بلکه مجموعه منافع اجتماعی و سیاسی در یک دوره مشخص را نیز تا حد زیادی آشکار می‌سازد؛ بنابراین آنچه در تحلیل ابعاد بازنگری برنامه درسی تربیت‌معلم در هر یک از دوره‌های تاریخی مورد تأکید است، توجه به نیازهای اجتماعی و سیاسی آن دوره است که در تعامل با ساختار حکومتی آشکار می‌شوند. بررسی و تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در هر یک از این دوره‌ها و شناخت رویکرد حاکم بر اصلاحات آموزشی به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک عمیق‌تر شرایط کنونی به سبب آگاهی از صبغه تاریخی، برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی نمایند.

علاوه بر این در تحلیل نمودار زمانی دوره‌های بازنگری برنامه درسی تربیت‌معلم ایران، فارغ از موفقیت هر دوره یا شکست آن، دو نکته حائز اهمیت است. نکته اول مربوط به عمر طولانی برنامه‌ها و اقدام به بازنگری آن‌ها است. طول عمر برنامه‌های درسی تربیت‌معلم مطابق رویکردهای شناسایی شده در دوره اول ۱۵ سال، در دوره دوم ۵۰ سال و دوره سوم ۳۰ سال است و از دوره چهارم و پیاده‌سازی برنامه‌های میان‌رشته‌ای تاکنون ۳ سال می‌گذرد. این در حالی است که به‌طور مداوم سخن از به‌روزرسانی و بازنگری برنامه‌های درسی است اما تاریخ برنامه‌ها بیانگر حقیقتی قابل تأمل است. نکته دوم در دوره کنونی برنامه‌های درسی تربیت‌معلم نهفته است؛ دوره‌ای که در آغاز راه است. بنا به شواهد موجود در سطح جهانی، پژوهش‌های به عمل آمده در این حوزه هنوز نتوانسته‌اند به روشنی نشان دهند که کدام برنامه درسی تربیت‌معلم و با کدام ساختار از اثربخشی بیشتری برخوردار است (کوکران و زیچنر، ۲۰۰۹ و

کیچ و راس، ۲۰۰۸ به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۹۲: ۶؛ بنابراین به نظر می‌رسد با اجرای برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای در این دوره، می‌توان پژوهش‌های گسترده‌ای را انجام داد تا به ایده‌هایی در این خصوص دست یافت.

منابع

- احمدی، پروین؛ سبحانی‌نژاد، مهدی و امیری، مهدی (۱۳۹۴). سازمان‌دهی میان‌رشته‌ای برنامه درسی با تأکید بر اثربخشی محتوای دروس. دو فصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری، سال بیست و دوم، شماره ۶: ۹۷-۱۲۲.
- بینشی فر، فاطمه (۱۳۹۲). نقش بهمن بیگی در ایجاد دانشسرای عشایری. فصلنامه پارسه، شماره ۲۱: ۶۹-۸۵.
- پهلوی، محمدرضا (۱۹۸۰). پاسخ به تاریخ. ترجمه حسین ابوترابیان (۱۳۷۱). چاپ سوم. تهران: انتشارات مترجم.
- دفتر هماهنگی طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه (۱۳۶۴). نگرشی بر تربیت معلم در ایران. رینگر، مونیکا ام (بی تا). آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (۱۳۹۳)، چاپ سوم. تهران: انتشارات ققنوس.
- سلیمی، لادن؛ کشتی آرای، نرگس و فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۳). تبیین سیر تحول و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. سال ۵، شماره ۹: ۷۳-۵۲.
- شرکایی اردکانی، جواد (۱۳۸۶). تربیت معلم در اسناد شورای عالی آموزش و پرورش. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۰۲). نظامنامه دارالمعلمین موضوع و پروگرام. گردآوری شده توسط جواد شرکایی اردکانی (۱۳۸۶). دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). اساسنامه دانشگاه فرهنگیان.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- صافی، احمد (۱۳۸۴). بررسی ساختار اداری و تشکیلات مرکزی وزارت آموزش و پرورش و ارائه دیدگاه‌های مختلف در مورد چشم‌انداز آینده. پژوهشکده تعلیم و تربیت.

چشم‌اندازی تاریخی به بازنگری برنامه‌های درسی تربیت‌معلم در ایران

صافی، احمد (۱۳۸۷). سیر تحول تربیت‌معلم در آموزش و پرورش معاصر ایران: گذشته، حال و آینده. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۹۶: ۲۰۰-۱۷۳.

صافی، احمد (۱۳۹۱). تربیت‌معلم در ایران، ژاپن، مالزی، آلمان، انگلستان، هند و پاکستان. تهران: ویرایش.

صفی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۵). پیشکسوتان فرهنگی ایران. (پس از اسلام). چاپ اول.

فلاحی، کیومرث (۱۳۸۸). بررسی جایگاه انتخاب و تربیت‌معلم در ساختار تشکیلاتی وزارت آموزش و پرورش. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

فتحی، هوشنگ (۱۳۷۰). تشکیلات: دفتر تربیت‌معلم. مجله رشد معلم. شماره ۷۳: ۲۴-۲۲.

گال، بورگ و گال (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه نصر و همکاران. تهران: سمت.

ماتی، رودی (۱۳۸۷). آموزش و پرورش در دوره رضاشاه. رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین: دولت و جامعه در زمان رضاشاه (مجموعه مقالات نوشته استغفانی کرونین) ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: نیل.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۳۸). قانون راجع به سازمان و استقلال دانشسرای عالی.

معمدی، اسفندیار (۱۳۹۰). تاریخ آموزش فیزیک در ایران. چاپ سوم. تهران: نشر لوح زرین.

ملکی، حسن و سلیمی، جمال (۱۳۸۹). از نظام دیسیپلینی تا رویکرد بین‌رشته‌ای در برنامه درسی آموزش عالی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال اول، شماره ۱: ۹۵-۶۵.

موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر. فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیست و چهارم، شماره ۴: ۱۲۴-۸۳.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). برنامه درسی تربیت‌معلم و الگوی اجرائی مشارکتی آن؛ راهبرد تحولی برای تربیت‌معلم در ایران. دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی. سال اول، شماره ۱: ۲۶-۵.

موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۳). «سخن سردبیر: معلم و برنامه درسی، اصلاح کدام‌یک در اولویت است؟» فصلنامه مطالعات برنامه درسی. سال نهم، شماره ۳۴: ۳-۱.

موسی‌پور، نعمت‌الله؛ احمدی، آمنه (۱۳۹۵). طراحی کلان (معماری) برنامه درسی تربیت‌معلم (برنامه درسی ملی تربیت‌معلم جمهوری اسلامی ایران). شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی.

موسی پور، نعمت اله (۱۳۹۶). چالش‌های برنامه‌ریزی میان‌رشته‌ای تربیت‌معلم در فرهنگ رشته‌ای حاکم. ارائه شده در سمپوزیوم تربیت‌معلم تطبیقی در تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۰۴. پردیس اصفهان دانشگاه فرهنگیان.

Hokka, P. Etelapelto, A. & Rasku-Puttonen, H. (2010). Recent tensions and challenges in teacher education as manifested in curriculum discourse. *Teaching and Teacher Education*, 26, 845-853.

Tinoca, L. Ponte, J. P. Galvão, C. & Curado, A. P. (2013). *Key Issues in Teacher Education*. University of Lisbon.

Archive of SID